



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهرا (س) شهرستان شیراز

مقاله

عنوان :

دکترین سیاسی امام کاظم (علیه السلام)

(در برخورد با خلفای هم عصرشان)

پژوهشگر:

نجمه رضوی

معاونت پژوهش

حوزه الزهرا شیراز

پاییز ۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

زمان امامت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) با حکومت چهار خلیفه عباسی (منصور، هادی، مهدی و هارون عباسی) هم زمان است. در واقع حکومت عباسی که برخلاف سلف خود که آشکارا اسلام را تحقیر می کرد با فریب افکار عمومی و دایه انتساب به اهل بیت و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روی کار آمد. در ابتدا با تحریک افکار عمومی و برگزاری جلسات مناظره، مکارانه قصد جمع آرای مردم و خراب کردن چهره ائمه اطهار (علیهم السلام) را داشتند اما با کیاست و درایت ویژه امام صادق (علیه السلام) و بعد از آن امام کاظم (علیه السلام) بر همگان آشکار شد که عباسیان نه تنها علاقه‌ای به امام ندارند بلکه حب جاه و مقام و مال دنیا، آن‌ها را به قاتلین فرزندان امام علی (علیه السلام) تبدیل کرده است. امام کاظم (علیه السلام) از طریق تشکیلات مخفی، داشتن یاران نفوذی در دستگاه حکومت، شجاعت در رسوا ساختن حکومت نامشروع عباسیان، حمایت مالی از علویان و شیعیان از طریق جمع‌آوری بیت‌المال توسط وکلاء و تربیت شاگردان بسیار، نقش مهمی در ابقا و اکمال مذهب جعفری ایفاء کردند. از نشانه بارز مبارزه ایشان با خلفای عباسی، سال‌های متمادی زندان، شکنجه و تبعیدهای متوالی است چرا که اگر ساکت و آرام می‌بودند اینقدر مورد آزار قرار نمی‌گرفتند.

کلید واژه‌ها: موسی بن جعفر (علیه السلام) - سیره - سیاست - حکومت - خلافت - تاریخ - منصور دوانیقی - هادی عباسی - مهدی عباسی - هارون عباسی.

دانش آموخته رشته کلام در مقطع سطح ۳، معاونت پژوهش حوزه الزهرا،

najmeh_razavi ۲۴۰۶۴@yahoo.com

مقدمه

شناخت و درک عمیق از بینش سیاسی و روش امامان معصوم (علیه السلام) در برابر خلفای ظالم و جبار شیوه صحیح زندگی و چگونگی برخورد با ستمگران را به ما می آموزد. به علاوه دفاع از امام معصوم (علیه السلام) در برابر شبهات امری مهم و خطیر است و تنها در سایه ی فهمی عمیق می توان به این امر پی برد که امامان معصوم (علیه السلام) هیچکدام شخصیت تک بعدی نداشته اند و همه آن ها نوری واحدند که به فرمان خداوند، هدف واحدی را دنبال می کنند گر چه تفاوت های در منش آن ها دیده می شود.

تاکتیک ها و روش های متفاوت امام هفتم (علیه السلام) از جمله توصیه به تقیه، نفوذ در حکومت با استفاده از عناصر اطلاعاتی (مثل علی بن یقطین)، رسوا ساختن حکومت در مراسم پرجمعیتی مثل حج، از روش های ایشان در مقابله با ظلم بوده است، که دانستن این مسائل در تقویت قوه ی علمی و سیاسی شیعیان در برخورد با ستمکاران و استعمارگران بسیار کمک کننده و لازم است.

در این راستا این پژوهش در جهت شناخت بیشتر اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر عباسیان می کوشد و واکنش های سیاسی و درایت ویژه امام کاظم (علیه السلام) را که متناسب با این عصر و در جهت اثبات حقانیت اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) است را معرفی می کند.

در این پژوهش سعی خواهد شد که نقش امام کاظم (علیه السلام) در سیر نزولی اقبال مردمی نسبت به عباسیان و رسوا ساختن آن ها (نسبت به ادعای خویشاوندیشان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) که بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است را بیشتر بشناساند زیرا این رسوایی به قدری برای خلفای عباسی ناگوار بوده که بارها امام کاظم (علیه السلام) را به زندان افکنده و به صورتهای گوناگون شکنجه می کردند. حال در این فضای اختناق و فشار پایدار نگه داشتن پایه های شیعه، تربیت شاگردان، حفظ جان شیعیان و دفاع از اسلام کاری بسیار دشوار و صعب می نماید. اما امام هفتم ما، امام کاظم (علیه السلام) با شجاعت هر چه تمام تر به این مهم دست می یابد و راه پاک ائمه معصومین (علیهم السلام) را از خلافت نامشروع عباسی جدا می سازند.

این مقاله ابتدا گذری بر زندگانی امام کاظم (علیه السلام) خواهدداشت و در سپس سیاست‌های امام کاظم (علیه السلام) در برخورد با خلفای هم عصر ایشان یعنی منصور دوانیقی، مهدی، هادی و هارون عباسی را بررسی خواهد کرد.

۱. گذری بر زندگانی امام کاظم (علیه السلام)

از ولادت تا شهادت

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در هفت صفر سال ۱۲۸ (هـ.ق) در ابوا (یکی از روستاهای اطراف مدینه) چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارش حضرت جعفر بن محمد (علیه السلام)، امام ششم شیعیان بود و مادر بافضیلتش «حمیده» نام داشت. زمان تولد ایشان مصادف بود با خلیفه اموی «مروان بن محمد» مشهور به مروان حمار که بین سالهای ۱۲۶ (هـ.ق) تا ۱۳۲ (هـ.ق) در بلاد اسلامی، حکومت می‌کرد و سلسله‌ی دودمان خود را به باد داد.^۱

امام از بدو تولد همچون امامان معصوم دیگر با نشانه‌های خاص امامت چشم به جهان گشود، زهد، تقوی و عبادت و خداجویی از همان کودکی خصوصیات شاخص آن امام معصوم است. این خصوصیات به قدری واضح و روشن بود که همه مردم حتی مخالفان هم به آن اعتراف کردند از آن جمله داستانی که «ابوعلی» پسر ابراهیم از اکابر مشایخ خراسان (او نخستین کسی است که طریقت و اصول تصوف را در آن نواحی رواج داد). نقل می‌کند:^۲

کرامات و فضایل اخلاقی ایشان بسیار زیاد است اما از آن‌جا که زندگی ایشان بعد از به امامت رسیدن بیشتر مورد توجه مورخین قرار گرفت فضایل آن بزرگوار در دوران امامت بیشتر نگاشته شده است. اما آن امام همام حضرت امام موسی بن جعفر در سال ۱۴۸ (هـ.ق) در بیست سالگی به مقام الهی امامت برگزیده شد. دوره سی و پنج ساله پیشوایی وی با سال‌های آخر خلافت منصور دوانیقی (۱۴۸-۱۵۸)، خلافت محمد (مهدی عباسی) (۱۶۹-۱۵۸)، هادی (۱۷۰-۱۶۹) و سیزده سال فرمانروایی هارون رشید (۱۸۳-۱۷۰) مقارن بود.^۳

امام کاظم (علیه السلام) بعد از پدر و جد بزرگوارشان حضرت امام محمدباقر (علیه السلام)،

۱- ابن شهر آشوب، مناقب، علامه، قم، بی.سا. ج ۳، ص ۴۳۴ / عباسقلی خان سپهر، ناسخ التواریخ، تهران، اسلامیه، بی تا، ج

۱، ص ۲۰ / محمد تقی مجلسی، بحارالانوار، تهران، مکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ق، ج ۱۱، ص ۴۰.

۲- داوود الهامی، امامان اهل بیت (علیه السلام) در گفتار اهل سنت، بی‌جا، مکتب الاسلام، ۷۷، ص ۳۸۷.

۳- محمد نصیری رضی، تاریخ تحلیل اسلام، قم، نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، ۷۸، ص ۲۴۲.

سلم) آمد و به آن قبر شریف روی کرد و در میان حیرت و خاموشی مردم بانگ برآورد: السلام علیک یا رسول الله! السلام علیک یا جداه!

امام کاظم (علیه السلام) با این بیان می‌خواست بگوید: ای حاکم ستمگر اگر رسول خدا پسر عموی توست و تو می‌خواهی بنابراین پیوند نسبی، شرعی بودن حکومت خود را اثبات کنی باید بدانی که من بدو نزدیکترم و آن حضرت جد من است. بنابراین من از تو به جانشینی و خلافت آن بزرگوار شایسته‌ترم.

هر چند حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌دانست که این سخنان موجب به زندان افتادن و شکنجه‌های بسیار خواهد شد اما با شجاعت همواره در برابر خلفا و عقاید نادرستشان می‌ایستاد و با ظلم به هر صورتی که بود مبارزه می‌کرد.^۱

نفوذ در دستگاه حکومت

شاید یکی از روشن‌ترین دلایل قدرت جنبش مکتبی در روزگار امام کاظم (علیه السلام) گسترش نفوذ عناصر این جنبش در دستگاه حکومت و برخی از نهادهای رسمی آن بوده است و بعید نیست که رأس نظام نیز از این حرکت و هواداری دست‌اندرکارانش از اهل بیت (علیهم السلام) ولو به طور اجمالی مطلع بوده است، اما به خاطر وجود علل و عواملی از کودتا علیه آنان احساس ناتوانی می‌کرده است.

یکی از افرادی که به عنوان عنصر اطلاعاتی و عامل نفوذی امام (علیه السلام) در دستگاه حکومت کار می‌کرد. علی بن یقطین وزیر خلیفه بود که بر سرزمین پهناور اسلامی در آن روزگار اشراف و نظارت داشت.^۲

شاید نظر ائمه (علیهم السلام) آن بوده است که جا دادن افراد خود، به هر شکل در مراکز حکومت، بهترین وسیله برای اصلاح وضع امت است. از این‌رو آنان نیازی به ایجاد تغییر سریع در رأس هرم قدرت و عهده‌داری مستقیم مسئولیت‌های حکومت احساس نمی‌کردند و از طرفی تا زمانی که امت از نظر تربیتی به آن پختگی لازم نرسند نمی‌توانند عهده‌دار نظامی الهی که مورد نظر ائمه اهل بیت (علیهم السلام) است، باشد.

به عبارت دیگر، استراتژی در مخالفت با نظام حاکم از طریق نفوذ به مراکز و نهادهای حساس و سلب قدرت نظام از داخل از جانب مخالفان، شاید در چنین شرایطی بهترین استراتژی به شمار آید.

۱- محمدتقی مدرسی، زندگی‌نامه چهارده معصوم، ص ۷۰۳.

۲- همان کتاب، ص ۶۶۰.

در مورد علی بن یقطین آمده است که او اموال فراوانی را که شاید یکصد هزار بوده نزد امام کاظم (علیه السلام) می برده است و در هر سال کسانی را به نیابت خویش به حج می فرستاد. در یکی از سال ها بنا بر آماری که گرفته بودند ۱۵۰ تا ۳۰۰ نفر به جای او حج به جای می آوردند و او به برخی از اینان مثل کاهلی و عبدالرحمن بن حجاج ده هزار و به برخی ۲۰ هزار درهم عطا می کرد و کمترین مبلغی که برای این کار می پرداخت هزار درهم بود. او صاحب کتاب های هم نیز بود که فرزندش حسن و احمد بن هلال آنها را از وی روایت کردند. او در سال (۱۸۲ هـ) در زمانی که امام کاظم در زندان هارون در بغداد به سر می برد، دنیا را بدرود گفت. ماجرای جبه گران قدر و ارزشمندی که هارون به یقطین بخشید و یقطین هم به امام کاظم (علیه السلام)، دسیسه ای شد برای جاسوسان و خبرچینان هارون که موضوع را به او رسانیدند. هارون هم از یقطین خواست که جبه را به او نشان دهد و با کرامت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) یقطین با تعجب جبه را دریافت کرد و به هارون نشان داد تا عنصر اطلاعاتی امام (علیه السلام) هم چنان پا بر جا باشد.^۱

یا ماجرای وضو گرفتن یقطین، که جاسوسان هارون به او خبر دادند که او مانند شیعیان وضو می گیرد و درست چند روز قبل یقطین از امام (علیه السلام) در مورد وضو سؤال کرده بود و امام (علیه السلام) روش وضوی اهل تسنن را برای او فرمان داده بود و این یار صدیق امام، با فرمانبرداری کامل مانند اهل تسنن وضو می ساخت که هارون که مخفیانه او را تماشا می کرد را قانع کند که او شیعه نیست و بعد دوباره امام (علیه السلام) نامه ای به سوی او نوشت و روش وضوی درست و حقیقی (مثل شیعیان) را برایش بازگو کرد.

این سیاست نفوذ در حکومت، از جهات بسیاری برای شیعیان فرصت مغتنمی به حساب می آمد. چرا که جان بسیاری از آنها از این طریق حفظ شد و فشارهای اقتصادی که به شدت کمر آنها را خم کرده بود را بدین وسیله کمی تسکین می داد و شاید وجود این عامل نفوذی، سیاستی باشد در جهت تعلیم سیاستمداری به مسلمین برای تشکیل حکومت اسلامی، چرا که خود امام (علیه السلام) عالم به غیب هستند و عامل اطلاعاتی برای ایشان معنای خاصی ندارد.^۲

۱- همان، ص ۶۶۲.

۲-، همان کتاب، ص ۶۶۴.

نتیجه گیری

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) بعد از امام صادق (علیه السلام) در زمان تثبیت قدرت عباسیان کاری بسیار دشوار داشت زیرا که باید هم نهضت جعفری پدر را پاسداری می کرد و هم خط حرکتی ائمه معصومین (علیهم السلام) را از حکومت نامشروع عباسیان جدا می ساخت و وجدان مردم جامعه را بیدار و آگاه می ساخت. در آن فضای وحشتناک، حفظ جان شیعیان یکی از وظایف مهم رهبری به شمار می رفت. امام کاظم (علیه السلام) با توجه به شرایط آن روزگار هم شجاعانه خلفای عباسی را رسوا می کرد و هم به علویون سفارش تقیه می کرد و در عین حال به پرورش عناصر اطلاعاتی و راهنمایی آنها می پرداخت ایشان وجدان دینی و سیاسی مردم را بیدار می ساخت و شاگردان زیادی را تربیت می کرد و پرورش می داد امام کاظم (علیه السلام) از هر فرصتی برای پیشرفت جامعه اسلامی استفاده می کرد و هیچگاه از هدف تمام ائمه معصومین (علیهم السلام) در جهت تشکیل حکومت اسلامی پاپس نمی کشید، مدبرانه عمل می کرد و دلسوزانه امامت می کرد. بسیار زاهد و پرهیزکار و در عین حال شجاع و باکیاست می بود. چه بسا اگر جهل مردم و دنیاطلبی آنها نمی بود ایشان با رهبری شجاعانه ی خویش بساط سراسر ظلم عباسیان را بر می چیدند و زمینه را برای تشکیل حکومت اسلامی و اجرای حق و عدالت همواره می کردند.

اما از یک طرف روشن ساختن اذهان مردم جاهل و از طرف دیگر مقابله با زورگویی های حاکم جبار و از همه مهم تر مبارزه با دنیاطلبی مردم، آن هم در یک زمان امکان مقابله مسلحانه را از امام (علیه السلام) می گرفت اما با همه این سختی ها امام (علیه السلام) رسالت خویش را در جهت رهبری امت اسلامی و حفظ اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و رساندن آن به خلف صالح خویش (امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را به خوبی انجام دادند تا الگوی حقیقی و عملی کاملی برای تمام شیعیان در طول تاریخ باشند.

فهرست منابع و مآخذ

- * قرآن کریم، مهدی الهی قمشه‌ای، حافظ نوین، بی‌جا، ۱۳۸۳.
۱. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۰ (ه.ق).
 ۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، بی‌سا.
 ۳. ابن واضح، تاریخ یعقوبی، تهران، علمی - فرهنگی، ۱۳۶۶.
 ۴. ارفع، سید کاظم، سیره علمی اهل بیت، تهران، تربت، ۱۳۸۰.
 ۵. الهامی، داوود، امامان اهل بیت (علیهم السلام) در گفتار اهل سنت، بی‌جا، مکتب الاسلام، ۱۳۷۷.
 ۶. پیشوایی، مهدی، سیمای پیشوایان در آئینه تاریخ، قم، دارالعلم، ۱۳۸۰.
 ۷. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، انصاریان، ۱۳۷۹.
 ۸. دهقان، اکبر، سیری گذرا در سیره امامان معصوم در عراق، قم، زائر، ۱۳۸۰.
 ۹. زرگری‌نژاد، غلامحسین، تاریخ تحلیلی اسلام، قم، بضعه‌الرسول، ۱۳۸۱.
 ۱۰. سپهر، عباسقلی‌خان، ناسخ‌التواریخ، تهران، اسلامیه، بی‌تا.
 ۱۱. سیوطی، عبدالرحمن، تاریخ‌الخلفاء، بغداد، مکتبه المثنی، بی‌تا.
 ۱۲. عبدوس، محمدتقی، محمد مهدی اشتارودی، فرازهای برجسته از سیره امامان شیعه، قم، ۱۳۷۲.
 ۱۳. قائمی، علی، در مکتب اسوه‌ی صلابت و مقاومت، تهران، امیری، ۱۳۷۸.
 ۱۴. قمی، شیخ عباسی، منتهی‌الامال، تهران، انتشارات اسلامیه، بی‌تا.
 ۱۵. -----، انوار البهیة، مشهد، منشورات دینی، بی‌تا.
 ۱۶. کلینی، محمد، الفروع من الکافی، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۸۱ (ق).
 ۱۷. محدثی، جواد، سیره سیاسی ائمه، تهران، مدرسه، ۱۳۸۵ (ق).
 ۱۸. مدرسی، محمدتقی، زندگینامه چهارده معصوم، محمدصادق شریعت، تهران، محبان الحسین، ۱۳۸۰.
 ۱۹. -----، زندگانی حضرت موسی بن جعفر، محمدصادق شریعت، تهران، محبان الحسین، ۱۳۸۰.
 ۲۰. -----، امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
 ۲۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج‌الذهب، ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
 ۲۲. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، تهران، صدرا، ۱۳۸۰.
 ۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷.

۲۴. نصیری رضی، محمد، تاریخ تحلیلی اسلام، قم، نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها،
۱۳۷۸.

۲۵. ماهنامه کوثر، انتشارات حضرت معصومه (سلام الله علیها)، قم، خرداد ۱۳۷۶، شماره ۳.